

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

اختلالات روانی بخش جدایی ناپذیر از زندگی اجتماعی بشر است. عوامل روانی، زیستی و اجتماعی در بوجود آمدن این بیماریها نقش بسزایی دارند. افزایش بیشمار بیماریهای روانی و تأثیر آنها در عملکرد و مجموعه رفتارهای فرد و جامعه، برای هیچ کسی پوشیده نیست، بطوریکه مطابق چهارمین ویراست تجدید نظر شده راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (D S M- IV)، بیش از ۲۰۰ نوع بیماری طبقه بندی شده اند. علاوه بر آن، این بیماریها علت بسیاری از رفتارهای نابهنجار نیز می باشند.

بدون تردید برخی از این بیماریها در مراحل پیشرفته می تواند عامل رافع مسئولیت تلقی شود. روان پریشی یا سایکوز و برخی از اختلالاتی که می توانند حالات سایکوز به خود بگیرند، از جمله بیماریهایی هستند که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است و علل و عوامل مکانیزم تأثیر آنها در مسئولیت، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با بررسی جنون، ملاک اتخاذ شده توسط انجمن روانپزشکی آمریکا (راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی که آخرین اصلاحات در چهارمین ویرایش آن در سال ۲۰۰۰ صورت گرفته و به (D S M- IV- TR) موسوم است) را مورد استفاده قرار داده است.

در این پژوهش، این بیماریها به عنوان عامل تأثیرگذار در رفتارهای نابهنجار فردی پذیرفته شده و فرد عامل این رفتار بنا به دلایلی که بعداً ذکر خواهد شد از جمله اوهام و هذیانها، قدرت تشخیص و تمیز خود را از دست داده، لذا از مسئولیت و هرگونه مجازاتی مبرا خواهد بود.

فهرست موضوعات

چکیده

- ۱..... مقدمه
- ۶..... فصل اول: سوابق تاریخی و حقوقی اختلافات روانی
- ۷..... مقدمه فصل اول
- ۸..... گفتار اول- جرم و مسئولیت کیفری
- ۸..... الف- تعریف جرم
- ۹..... ب- عنصر معنوی (روانی) جرم و اجزای آن
- ۱۰..... ۱- اراده (خواستن)
- ۱۱..... ۲- دانستن (علم)
- ۱۲..... پ- یافتن مخاطب های حقوق جزا
- ۱۳..... ۱- بلوغ
- ۱۴..... ۲- عقل
- ۱۴..... ۳- توانایی خواستن
- ۱۵..... ۴- اختیار
- ۱۶..... ت- تعریف مسئولیت
- ۱۸..... ج- تعریف مسئولیت کیفری
- ۲۰..... ح- تفاوت میان مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی
- ۲۲..... خ- عوامل رافع مسئولیت کیفری و تفاوت آن با علل موجهه جرم
- ۲۵..... گفتار دوم - تحولات تاریخی اختلالات روانی
- گفتار سوم - نقش اندیشه های روانشناسی و روانپزشکی در تاریخ حقوق جزا و مکاتب مختلف
- ۲۷.....
- ۲۸..... الف- مکتب اصالت تحصیل
- ۲۹..... ب- مکتب پیوند روانی
- ۳۰..... ج- مکتب همه پیوندی
- ۳۰..... د- مکتب دفاع اجتماعی
- ۳۱..... م- مکتب دفاع اجتماعی نوین
- ۳۲..... ی- مکتب تبادل روانی

گفتار چهارم - جنون از نظر مقررات قانونی ۳۳

الف- تعریف جنون ۳۳

ب- جنون در قوانین سابق جزایی ایران ۳۵

ج- جنون در قانون راجع به مجازات اسلامی و قانون مجازات اسلامی ۳۷

خلاصه فصل ۳۹

فصل دوم : اختلالات روانی و تاثیر آنها بر روی رفتار ۴۰

مقدمه فصل دوم ۴۱

گفتار اول- سیستم های طبقه بندی اختلالات روانی از آغاز تا به امروز و طبقه بندی آنها

بر اساس DSM-IV ۴۲

الف- سایکوز ۴۶

ب- نوروز ۵۰

ج- اختلالات شخصیت ۵۲

د- اختلالات کنترل تکانه ۵۳

ه- اختلالات هذیانی ۵۶

و- اختلالات خلقی ۵۷

گفتار دوم - شرحی مختصر بر برخی بیماریهای روانپزشکی و تاثیر آن بر رفتار

..... ۵۸

الف- اسکیزوفرنی ۵۸

ب- انواع اسکیزوفرنی ۵۹

۱- نوع کاتاتونیک ۵۹

۲- نوع پارانوئید ۶۰

۳- نوع آشفته ۶۱

۴- نوع نامتمایز ۶۲

۵- نوع باقیمانده ۶۲

۶- اسکیزوفرنی تیپ ۱ و تیپ ۲ ۶۲

ب- انواع اختلال افسردگی ۶۳

- ۱- افسردگی اساسی ۶۳
- ۲- افسرده خویی ۶۵
- ت- اختلالاتی دربرگیرنده تناوبهایی در خلق ۶۵
- ۱- اختلال دو قطبی ۶۶
- ۲- انواع اختلال دو قطبی ۶۸
- چ- سایر اختلالات سایکوتیک ۶۸
- ۱- اختلالات اسکیزوافکتیو ۶۸
- ۲- اختلالات اسکیزوفرنیفرم ۶۹
- ۳- اختلالات سایکوتیک مشترک ۶۹
- ۴- اختلالات روانپریشی کوتاه مدت ۷۰
- د- انواع اختلالات شخصیت : ۷۱
- ۱- ضداجتماعی ۷۱
- ۲- پارانوئید ۷۲
- ۳- نمایشی ۷۲
- ۴- مرزی ۷۲
- ۵- انفعالی ، تهاجمی ۷۳
- و- انواع اختلالات هذیانی ۷۳
- ۱- نوع شهوانی ۷۳
- ۲- نوع خودبزرگ پنداری ۷۴
- ۳- نوع حسادت ۷۴
- ۴- نوع گزند و آسیب ۷۵
- ۵- نوع جسمی ۷۶

۷۶	ی- سایر اختلالات مرتبط
۷۶	۱- دلیریرم
۷۷	۲- دمانس
۷۷	۳- آلزایمر
۷۸	۴- صرع
۷۹	گفتار سوم - تبیین منظور قانون گذار از عبارت جنون در ماده ۵۱ ق.م.ا
۸۱	گفتار چهارم- سایر مسائل مرتبط با بیماری جنون
۸۱	الف- صلاحیت محاکمه شدن
۸۳	ب- تشخیص جنون
۸۴	ج- آثار جنون
۸۶	د- تمارض یا تجنن
۸۷	خلاصه فصل
	فصل سوم- تجزیه و تحلیل حقوقی تاثیر بیماریهای روان پریشی در مسوولیت کیفری
۸۸	
۸۹	مقدمه فصل
۹۰	گفتار اول - ارتباط انواع اختلالهای روانپریشی با جرایم
۹۰	الف- جنایات ناشی از اسکیزوفرنی
۹۳	ب- جنایات پارانوئیک ها
۹۹	ج- جنایات بیماران خلقی
۱۰۲	د- جرائم مصروعان
۱۰۵	ک- جرائم الکلیک ها
۱۰۶	و- جرایم افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی
۱۰۷	گفتار دوم - میزان مسوولیت کیفری بیماران روان پریش
	گفتار سوم- عدم مسوولیت کیفری بیماران روانی در چند کشور عضو اتحادیه اروپا
۱۱۷	
۱۱۷	الف- مقررات فرانسه
۱۱۹	ب- مقررات آلمان
۱۲۱	پ- مقررات انگلستان

۱۲۷	ت- مقررات دانمارک
۱۲۹	چ- مقررات اسپانیا
۱۳۰	ج- مقررات ایتالیا
۱۳۲	د- مقررات هلند
۱۳۲	ک- مقررات سوئد
۱۳۳	م- مقررات روسیه ، شوروی سابق
۱۳۴	و- مقررات اسکاتلند
۱۳۵	خلاصه فصل
۱۳۶	نتیجه گیری
۱۳۸	پیشنهادات
۱۴۳	فهرست منابع

۱- تعریف مسئله

در گذشته بیماریهای روانی نقش خیلی کمی را در رفتارهای غیرقانونی و نابهنجاریهای اجتماعی داشته اند، اما امروزه با توجه به رشد روزافزون مبتلایان به این نوع از بیماریها، قطعاً نقش بیماریهای روانی در بروز رفتارهای نابهنجار، انکارناپذیر است. بطور کلی «تمدن، محیطی مناسب برای رشد جنون فراهم می کند» (فوکو، ۱۳۸۷، ۲۰۸).

بیماریهای روانی از جمله عواملی هستند که قضاوت کردن در مورد تعیین میزان مسئولیت شخص بیمار، سهل و آسان نیست. مخصوصاً که اگر این بیماریها در مراحل پیشرفته و پیچیده خود باشند. قضاوت در مورد اینگونه افراد به سادگی ممکن نیست و نمی توان آنها را به راحتی محکوم و مستوجب کیفر دانست. سایکوزها (روان پریشی ها) از جمله این اختلالات است.

در این پژوهش به تعریف جنون خواهیم پرداخت و آن را از دید علمی و روانپزشکی و نه عُرفی و قدیمی آن، مورد بررسی قرار خواهیم داد. درجات آن را مشخص می کنیم و به این سوال پاسخ می دهیم که آیا جنون صرفاً اختلالات روان پریشی را در بر می گیرد و یا اینکه دیگر بیماریهای روانی را نیز شامل می شود. این پژوهش به مسائل حقوقی محض نمی پردازد، بلکه در روانپزشکی نیز حرفهایی برای گفتن دارد. این پژوهش در واقع، تلفیقی است از دو علم روانپزشکی و حقوق (روانپزشکی کیفری) که دست به دست هم داده و مسائل مُبهم را روشن خواهد ساخت.

۲- هدف تحقیق

مهمترین هدف این تحقیق، مطالعه و تحقیق در قوانین موضوعه برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا و آگاهی از قوانینی است که بیشتر بتواند حافظ منافع جامعه باشد. بر این اساس، هدف ما انجام یک بررسی تطبیقی و ارائه نتایج حاصله از آنست.

۳- روش تحقیق و ابزار گرد آوری اطلاعات

رویکرد ما در این پژوهش، رویکرد تحلیلی و توصیفی است و ابزارگرد آوری اطلاعات، کتابخانه ای و اینترنتی می باشد و صحبت از بررسی میدانی و مطالعات آزمایشگاهی نیست.

۴- سابقه تحقیق

با توجه به موضوع مورد بحث، علیرغم پی گیری اینجانب در برخی دانشکده های حقوق مثل دانشگاه تهران و یا خود دانشگاه پیام نور تهران، هیچ پایان نامه ای در این مورد بدست نیامد. اگر چه برخی مطالعات و کتابهایی در مورد بیماریهای روانی و رابطه آنها با مسئولیت کیفری وجود داشت که به اقتضاء بحث، در این تحقیق از آنها استفاده شده است اما در مبحث تطبیقی آن، منابع خیلی کمی وجود داشت که همین امر دسترسی به منابع اطلاعاتی در این مورد را با مشکل اساسی مواجه نمود.

از جمله پایان نامههایی که ارتباط با این گزارش دارند، عبارتند از:

۱- تأثیر اختلالات روانی غیر از جنون در مسئولیت کیفری (دانشگاه تهران)

۲- بررسی مفهوم جنون از دید حقوقی و مقایسه آن با مفهوم جنون از دید روانپزشکی بر مبنای

DSM- IV (دانشگاه تهران)

۳- بررسی میزان مسئولیت شخص هیستریک از نوع تعدد شخصیت از دیدگاه جرم‌شناسی
(دانشگاه پیام نور تهران)

مورد اول به بررسی تأثیر بیماری‌های روانی از نوع نوروز بر روی مسئولیت کیفری می‌پردازد.
مورد دوم مفهوم جنون را از دید حقوقی و روانپزشکی با یکدیگر مقایسه کرده و نتیجه‌گیری
می‌نماید. اما تأثیر آنها را روی مسئولیت کیفری مورد مطالعه قرار نمی‌دهد.
مورد سوم نیز از میان بیماری‌های روانی فقط اختلال هیستریونیک را انتخاب نموده و تأثیر آن را بر
روی مسئولیت بررسی می‌کند.

۵- عمده ترین سوالات این تحقیق عبارتند از:

- آیا میزان مسئولیت کیفری بیماران مبتلا به اختلالات روان پریشی یا سایکوز، معادل میزان
مسئولیت مجرمان عادی است یا خیر و اینکه این بیماران معاف از مسئولیت می‌باشند و یا اینکه از
کیفیات مخففه برخوردار خواهند شد؟

- آیا در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز بیماریهای روانی از عوامل رافع مسئولیت کیفری تلقی
می‌شوند؟

- آیا عبارت «به هر درجه» در ماده ۵۱ ق.م.ا شامل کلیه اختلالات روانی حتی اختلالات خلقی و
یا اختلالات کنترل تکانه و یا اختلالات شخصیت و غیره نیز می‌شود و یا اینکه فقط برخی از
اختلالات از جمله سایکوز را در بر می‌گیرد.

۶- فرضیات تحقیق

به نظر می‌رسد:

-مسئولیت کیفری بیماران مبتلا به سایکوز معادل میزان مسئولیت مجرمان عادی نیست و در صورت اثبات بیماری اشان در زمان وقوع جرم و از دست رفتن قضاوت و بینش آنها، شخص بیمار معاف از مسئولیت خواهد بود.

- در کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق به غیر از کشور سوئد ، بیمارهای روان پریش از عوامل رافع مسئولیت کیفری تلقی می شوند.

- منظور قانون گذار از لفظ جنون در ماده ۵۱ ق.م.ا شامل کلیه اختلالات روانی نمی شود و تنها اختلالات سایکوز را در بر می گیرد.

۷- واژگان کلیدی

مهمترین و کاربردی ترین واژه های کلیدی مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: جرم، عنصر معنوی، جنون، مسئولیت کیفری ، اختلالات سایکوز، اختلالات هذیانی، مانیا و صرع.

۸- ضرورت و اهمیت مورد بحث

بی ثباتی قانون گذار در وضع قوانین جزایی مربوط به اختلالات روانی ، بطوریکه در قوانین ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲ ، بیمار روانی که مرتکب عمل خلاف قانون می شد ، مجرم محسوب نمی شد اما در قوانین ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ به نظر می رسد این قوانین، مجنون مرتکب جرم را مجرم شناخته و مسئولیت کیفری او را زایل می دانند. تحول قوانین جزایی ایران قبل و پس از انقلاب اسلامی در مورد بیماریهای روانی ، اختصار و اجمال مباحث مربوط در کتب مختلف و همچنین ارائه مطالب مربوط به اختلالات روان پریشی بصورت تطبیقی و در نتیجه بهره وری از نظرات سیستمهای حقوقی در جهت غنای هر چه بیشتر حقوق کشورمان در زمینه مورد بحث می تواند از اهمیت و ضرورت قابل توجهی برخوردار باشد.

۹- انگیزه اتخاذ موضوع

گسترش مباحث مربوط به این موضوع و علاقه فردی به مباحث مربوط به روانشناسی و راهنمایی و نکته سنجی اساتید محترم، اینجانب را به این موضوع رهنمون کرد. از طرفی در بررسی صورت گرفته روشن شد که تا کنون مطالعه خاصی در این مورد صورت نگرفته است، لذا لازم بود که مطالعه اولیه ای در این باره صورت گیرد.

پایان نامه اینجانب از این نظر که ادامه کارهای قبلی دانشجویان عزیز می باشد، و مخصوصاً به بررسی قوانین کشورهای اروپایی در این زمینه می پردازد، می تواند تکمیل کننده پایان نامه های قبلی به حساب آید؛ تا چه در نظر آید و چه مقبول افتد.

فصل اول :

سوابق تاریخی و حقوقی اختلالات روانی

مقدمه فصل اول

از آنجایی که طبق قانون مجازات اسلامی جنون رافع مسئولیت کیفری است ، در واقع بیمار مجنونی که مرتکب عمل مجرمانه می شود ، قابل کیفر نمی باشد . در رابطه با این موضوع ، اصطلاحاتی وجود دارند که نیاز به توضیح بیشتری است از جمله جرم و اجزای آن ، مسئولیت کیفری ، عوامل رافع مسئولیت کیفری و تفاوت آن با علل موجهه جرم که تمام اینها در گفتار اول بررسی خواهد شد. در گفتار دوم که عنوان آن سابقه تاریخی اختلالات روانی است ، به نظریه های اولیه درباره این بیماریها در کشورهای مختلف و در دوره های متفاوت و همچنین به نظرات برخی دانشمندان خواهیم پرداخت و در گفتار سوم این فصل ، نقش روانشناسی و روانپزشکی را در تاریخ حقوق جزا و مکاتب مختلف مورد بررسی قرار خواهیم داد تا معلوم شود که این مکاتب چه اهمیتی به موضوعات روانی قائل شدند . بالاخره در گفتار چهارم جنون را از نظر مقررات قانونی بررسی خواهیم کرد.

گفتار اول : جرم و مسئولیت کیفری

الف - تعریف جرم¹

کنشهای مثبت و منفی مخالف نظم اجتماعی افراد در جامعه که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی تعیین شده باشد، جرم نام دارد. پس جرم، عمل یا ترک عمل قابل مجازات یا اقدامات تأمینی است که قانون آن را مشخص می کند.

باید این نکته را بلافاصله یادآوری کنیم: کنشهای مخالف نظم اجتماعی همیشه عنوان جرم نمی گیرند، بلکه فقط وقتی جرم نامیده می شوند که مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی برای آنها منظور شده باشد. در غیر این صورت، اعمال ضداجتماعی که نام جرم در مفهوم قانونی آن ندارند، می توانند در محدوده جرم شناسی (با شرایط خاص) و نه حقوق جزا مورد مطالعه قرار گیرند. به عبارت دیگر، ممکن است «حالت خطرناک» و «شخصیت منحرف از معیارهای طبیعی» بی آنکه جرمی انجام گرفته باشد، زیر ذره بین دقت و کاوش واقع شود (نوربها، ۱۳۷۵، ۴۷).

برای آنکه رفتار انسان جرم تلقی شود، وجود سه عنصر لازم است:

۱- عنصر قانونی²، یعنی وصف مجرمانه باید به تعیین قانون باشد.

۲- عنصر معنوی³، بدین معنی که رفتار مجرمانه باید همراه با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی باشد.

۳- عنصر مادی⁴، شامل تحقق عملیات خارجی حاکی از رفتار مجرمانه.

عناصر سه گانه جرم (قانونی، مادی و معنوی) جنبه عمومی دارند و وجود آنها در کلیه جرایم

الزامی است (گلدوزیان، ۱۳۷۶، ۱۹۸).

1. Crime

2. Legal Element

3. Moral Element

4. Material Element

درمیان عناصر سه گانه جرم، آنچه که بیشتر از همه به بحث ما مربوط می شود، عنصر معنوی می باشد تا معلوم شود که آیا اشخاص مبتلا به اختلالات روانپزشکی، دارای اجزاء این عنصر می باشند یا اینکه فاقد آنها هستند. لذا در این قسمت ما به عنصر معنوی و اجزای آن خواهیم پرداخت.

ب- عنصر معنوی (روانی)

برای تحقق جرم نقض اوامر و نواهی قانونگذار به تنهایی کافی نیست. فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد، به سخن دیگر، میان فعل مادی و حالات روانی فاعل باید نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتکب را مقصر شناخت. ارتکاب جرم یا تظاهر نیت سوء و یا خطای مجرم است؛ مشروط بر اینکه فاعل چنین فعلی را بخواهد یا دست کم وقوع آن را احتمال دهد و به نقض اوامر و نواهی قانونگذار آگاه باشد. در این صورت می گوئیم فاعل یا در ارتکاب فعل عمد¹ داشته و یا خطا² کرده است. آنچه تقصیر در معنی عام نامیده می شود یا بر پایه عمد و یا مبتنی بر خطا است. عمد عنصر روانی آن دسته از جرایمی است که اصطلاحاً جرایم عمدی³ نام دارد و خطای جزایی، عنصر روانی جرایم خطایی⁴ .

خواستن، یکی از مولفه های عنصر روانی و مبنای تقصیر است که اراده ارتکاب نیز گفته می شود. با زوال اراده، پیامد جرم اعم از عمدی و یا خطایی هیچ گاه به حساب فاعل گذاشته نمی شود. با این همه، تأثیر اراده در ارتکاب جرم همواره به یک نسبت و به یک وسعت نیست. اگر اراده فاعل بر ارتکاب فعل مجرمانه قرار گرفت و خواستار نتیجه آن شد، یا به بیان دیگر هرگاه فاعل قصد فعل و قصد حصول نتیجه آن را داشت عامد محسوب می شود. وگرنه، اگر فاعل قصد فعل داشته

¹ .Intention

² .False

³ .Intention Crimes

⁴ .Falsely Crimes

باشد، بدون آنکه نتیجه مجرمانه ای که از آن حاصل می شود طلب کند و ترتیب این نتیجه بر فعل ارتكابی محتمل و قابل پیش بینی باشد، لیکن فاعل از ارتكاب فعل نپرهیزد خاطی است. برخلاف قصد، انگیزه¹ یا محرک جرم در ماهیت جرم و نیز شدت و ضعف مجازات بی تأثیر است. انگیزه، هدف غایی فعل و برحسب حالات نفسانی بزهکاری مختلف است، پس عنصر روانی جرم عمدتاً به عمد و خطای کیفری خلاصه می شوند (اردبیلی، ۱۳۸۴، ۲۳۳). اجزای عنصر روانی جرائم عمدی عبارتند از:

۱- اراده (خواستن)² - دانستن (علم)³ که خود شامل علم به حکم و علم به موضوع می گردد.

اراده (خواستن)

از نظر لغوی، اراده عبارت است از خواستن، طلب کردن، قصد و آهنگ و عزم (فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۵۵، ۱۰۰) و از نظر حقوقی سه اصطلاح «اصل آزادی اراده»، «اصل استقلال اراده» و «اصل حاکمیت اراده» بکار گرفته شده و آن عبارتست از تأثیر اراده افراد در روابط اشخاص در زندگی قضایی (لنگرودی، ۱۳۴۶، ۴۲).

در خصوص اصل آزادی اراده سخن بسیار گفته شده و آنچه که مورد اتفاق اکثر صاحب نظران است این است که اولاً آزادی افراد باید مراعات شود. ثانیاً آزادی به هیچ وجه نمی تواند مطلق و بدون قید و شرط باشد. بحث درباره محدودیت آزادی انسان در ارتباط با زندگی اجتماعی او مطرح می شود چرا که انسان فطرتاً موجودی آزاد است و از هر محدودیتی گریزان، منتهی چون به تنهایی قادر به رفع نیازمندیهای خود نیست، از روی ناچاری زندگی جمعی با دیگران را پذیرفته و در نتیجه این زندگی جمعی، آزادی او را محدود می کند. بنابراین بحث از آزادی اراده آدمی در

¹ . Mobile

² . Will

³ . Knowledge

ارتباط با زمینه حیات جمعی انسان به میان می آید و قوانین و مقررات موضوعه ناظر بر روابط گوناگون افرادی است که به صورت اجتماعی زندگی می کنند و هر اندازه روابط اجتماعی پیچیده تر باشد، آزادی اراده انسان محدودتر می گردد.

به هر حال بحث درباره آزادی بودن یا مجبور بودن انسان در انجام اعمال و رفتار از جمله مسائلی است که از دیرباز ذهن کنجکاو بشر را به خود اختصاص داده و مهمترین پرسش این است که هر انسانی می خواهد بداند که در جریان فعالیتهای اجتماعی روزمره که در محدوده پدیده های تکوینی و تحت تأثیر عوامل گوناگون اجتماعی و اقتصادی صورت می گیرد تا چه اندازه آزاد است و تا چه اندازه مجبور؟ پاسخ به این سوال بستگی به میزان شناخت ما نسبت به ماهیت آزادی اراده و اختیار انسان خواهد داشت (شامبیاتی، ۱۳۷۲، ۳۶۴). که به جهت عدم ارتباط با بحث ما، به آن نخواهیم پرداخت.

در عُرف حقوقی گاه اراده را مرادف عمد بکار می برند که منظور همان عمد در فعل به معنی خواستن فعل است. و چون هر جرم علی الاصول تا اراده نباشد واقع نمی شود، بنابراین اراده در تمام جرایم اعم از عمدی یا غیر عمدی و حتی در جرایم خلافی وجود دارد (اردبیلی، ۱۳۸۴، ۲۳۷).

دانستن (علم)

مرسوم است که می گویند: علم، شناسایی اصولی و منظم قواعدی است که بر طبق آنها حوادث جهانی که در آن بسر می بریم رُخ می دهد (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۷۰). علم مُرادف آگاهی و شناخت است. منظور از علم در این مبحث، شناخت و آگاهی فاعل است هم به کیفیت فعل مجرمانه (علم به

موضوع) و هم به نام شروع بودن (علم به حکم) آن است. به همین علت گاهی اشتباه در کیفیت یا ماهیت عمل ارتكابی، وصف مجرمانه را زایل می نماید (نگارنده).
به عبارت دیگر، فرض را باید بر این گذاشت که فاعل توان درک درست عمل مجرمانه را داشته و خواسته است دقیقاً عملی مرتکب شود که قانونگذار به حرمت آن حکم داده است. در یک کلام، فاعل نه به موضوع جهل داشته است و نه به حکم قانونی آن (اردبیلی، ۱۳۸۴، ۲۳۵).

پ - یافتن مخاطب های حقوق جزا

مجرم می باید با برخورداری از خصوصیات و شرایط تکلیف و صلاحیت انتساب مسئولیت مانند بلوغ، عقل، اختیار و علم و آگاهی به حرمت عمل مرتکب جرم شود تا بتوان او را مسئول شناخت. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که انسانی زمانی می تواند از نظر کیفری مسئول شناخته شود که:

اولاً- فاعل جرم از رشد جسمانی و عقلانی برخوردار بوده و با آزادی و از روی اختیار دست به ارتکاب جرم زده باشد.

ثانیاً- مرتکب جرم قادر باشد اراده خود را در جهت انجام یا خودداری از انجام عمل ممنوعی بکار گیرد.

ثالثاً- مرتکب جرم با علم و آگاهی به حرمت عمل، دست به انجام یا خودداری از انجام آن وظیفه و یا تکلیف زده باشد.

رابعاً- مرتکب باید همچنین قدرت و توانایی انجام آن وظیفه و یا تکلیف را نیز دارا باشد (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ۲۴).

به این ترتیب در نظام کیفری، کودکان، دیوانگان، مردگان و حیوانات از تعقیب و مجازات مصون و در امان هستند.

از عبارات مذکور در بالا می توان مقومات مسئولیت کیفری را این چنین نام برد:

۱- بلوغ ۲- عقل ۳- توانایی خواستن ۴- اختیار

در زیر به توضیح مختصر آنها می پردازیم :

۱- بلوغ

بلوغ در لغت به معنی رسیدن است (معین ، ۱۳۶۲ ، ۵۷۶). و در اصطلاح به دومین مرحله از مراحل چهارگانه دوران حیات آدمی (کودکی ، بلوغ ، پیری یا کمال و مرگ) اطلاق می شود . در این دوران تقریباً ، تغییرات ناگهانی در وضع ظاهری اندام ، احساسات ، اندیشه و قوای جسمی و روانی آدمی ظاهر می شود . پس بلوغ دوران تکامل فیزیولوژیک در حیات انسانی است ؛ در این مرحله از حیات به موازات رشد سریع ظاهری اندام ، شخصیت فرد نیز شکل می گیرد و در حقیقت بلوغ ، دوران تحول و شکوفایی استعدادها و خلاقیت انسانی است و یا اینکه آغاز دوره توانایی و ابراز شخصیت آدمی است . به سخن کوتاه ، پیدایش تغییرات ناگهانی در اندام ، احساسات ، اندیشه و سایر اجزای آدمی که در زمان استحاله ی بین کودکی و جوانی حاصل می شود ، ماهیت بلوغ را آشکار می سازد.

پس بلوغ امری طبیعی و یکی از مراحل حیات آدمی است که در پایان دوران کودکی پدیدار می شود. و در حقیقت هر انسانی یک سن بلوغ طبیعی دارد . ولی از آنجایی که به تجربه ثابت شده است که در مناطق گرمسیر، کودکان زودتر به مرحله بلوغ طبیعی می رسند، و برعکس در نقاط سردسیر ، دیرتر به سن بلوغ طبیعی خواهند رسید ؛ در نتیجه بعضی افراد به جهت خصوصیات